

تبیین تاثیر مفاهیم شیوه زندگی بر سلسله مراتب ورودی خانه مبتنی بر نظریه نحو فضا (مورد پژوهی: خانه های اعیان عهد قاجار)

غزال امیدوار^۱، محمدعلی رحیمی^۲، عباس عاشوری نژاد^۳، علی بامداد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱

چکیده

معماری دوره قاجار به عنوان حلقه‌ای میان سنت‌های گذشته و تحولات جدید، جایگاهی برجسته در تاریخ معماری ایران دارد. در این سبک، سلسله‌مراتب فضایی نقش مهمی در سازماندهی اجزای خانه‌ها ایفا می‌کند و بازتاب‌دهنده شیوه زندگی ساکنان است. ورودی خانه به عنوان مرز میان فضای داخلی و خارجی، نمودی از روابط اجتماعی و فرهنگی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. این مطالعه به بررسی تاثیر شیوه زندگی بر پیکربندی سلسله‌مراتب فضای ورودی خانه‌های اعیان‌نشین دوره قاجار در شهر شیراز می‌پردازد. روش تحقیق شامل مرور منابع کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی، تحلیل اسناد تصویری و نقشه‌ها، و استفاده از ابزار نحو فضا (Space Syntax) و نرم‌افزار UCL Depthmap برای تحلیل داده‌هاست. شاخص‌های عمق، قابلیت دید، هم‌پیوندی و اتصال به عنوان معیارهای اصلی تحلیل در نظر گرفته شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شیوه زندگی، تأثیری مستقیم بر ساختار سلسله‌مراتب ورودی این خانه‌ها داشته و نقش آن در تعریف روابط فضایی و کارکردهای معماری به خوبی مشهود است. این تحلیل می‌تواند الگویی برای درک بهتر روابط میان فرهنگ و معماری در دوره‌های تاریخی ارائه دهد.

کلید واژه: شیوه زندگی، سلسله مراتب ورودی، نحو فضا، خانه‌های اعیان، عهد قاجار

این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری تخصصی معماری با عنوان واکاوی پیوند شیوه زندگی و الگوهای شکلی و فضایی خانه در مفهوم سکونت، رهیافتی به مسکن امروز (مورد پژوهی: خانه های تاریخی دوره قاجار شهر شیراز) می باشد که در دانشگاه آزاد واحد بوشهر در حال انجام است.

^۱- دانشجوی دکتری، معماری، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

^۲- استادیار، معماری، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

^۳- استادیار، تاریخ، گروه تاریخ، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

^۴- استادیار، مرمت و احیا بناها و بافت‌های تاریخی، گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

۱- مقدمه

شیوه زندگی، به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی و فرهنگی، نمایانگر هویت فردی و جمعی انسان‌هاست. این رفتارها، که شامل عادات‌های پوشش، غذا خوردن، تعاملات اجتماعی، مراسم مذهبی و فعالیت‌های فراغتی می‌شود، مستقیماً بر محیط زندگی و معماری تأثیر می‌گذارد. طبقه اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری شیوه زندگی دارد و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر طبقه به‌طور مستقیم بر طراحی و چیدمان فضاهای سکونت‌ی آن تأثیر می‌گذارد.

خانه‌های اعیان‌نشین دوره‌ی قاجار، به‌عنوان نمونه‌هایی ارزشمند از تاریخ معماری ایران، بازتاب‌دهنده شیوه‌زندگی طبقات مرفه آن دوره هستند. این خانه‌ها با مساحت زیاد، فضاهای منحصربه‌فرد و چیدمان فضایی خاص، مفاهیمی چون هماهنگی، یکپارچگی و سلسله‌مراتب را به نمایش می‌گذارند. سلسله‌مراتب، به‌عنوان یکی از اصول بنیادین معماری سنتی ایران، در طراحی فضای ورودی این خانه‌ها نیز نقشی کلیدی داشته است. ورودی خانه، مرز میان فضای عمومی و خصوصی است و ویژگی‌هایی همچون حریمیت و عدم دید مستقیم به داخل خانه، بر اساس قوانین و شیوه‌زندگی دوران قاجار طراحی شده است. تحلیل سلسله‌مراتب ورودی این خانه‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تری از روابط اجتماعی و فرهنگی آن دوران و تأثیر آن بر معماری منجر شود.

در نظریه‌ی نحو فضا (Space Syntax)، مفاهیمی مانند پیکربندی فضایی، چیدمان، هم‌پیوندی و خوانایی، ابزارهایی برای تحلیل روابط اجتماعی و سلسله‌مراتب فضایی ارائه می‌دهند. این نظریه کمک می‌کند تا از طریق تحلیل فضایی، ارتباط میان معماری و شیوه‌زندگی ساکنان روشن شود.

ضرورت پژوهش حاضر، بررسی خانه‌های تاریخی دوره‌ی قاجار به‌منظور شناسایی الگوهای طراحی موفق است که می‌تواند راهنمایی برای احیای هویت معماری در خانه‌های معاصر باشد. این پژوهش، با تمرکز بر نمونه‌های برجسته‌ی خانه‌های اعیان‌نشین شیراز، تلاش می‌کند الگویی برای درک عمیق‌تر روابط فضایی و فرهنگی این خانه‌ها ارائه دهد. این پژوهش فرض می‌کند که رابطه‌ای معنادار میان شیوه‌زندگی و سلسله‌مراتب فضای ورودی خانه‌های اعیان‌نشین دوره قاجار وجود دارد. اهداف پژوهش: تحلیل رابطه‌ی میان شیوه زندگی و سلسله‌مراتب فضای ورودی در خانه‌های اعیان‌نشین دوره‌ی قاجار. بررسی تطبیقی الگوی ورودی خانه‌های اعیان‌نشین قاجاری در شهر شیراز.



شکل ۱: مراحل انجام تحقیق (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۲- پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی درباره مفهوم شیوه یا سبک‌زندگی و سلسله‌مراتب فضایی در معماری سنتی انجام شده است که در چهار بخش کلی قابل تبیین هستند:

۱. شیوه یا سبک زندگی و سلسله‌مراتب فضایی در معماری سنتی: در مطالعات مختلف، ارتباط میان شیوه‌زندگی و چیدمان فضایی خانه‌های سنتی بررسی شده است. به‌ویژه، تحقیقاتی مانند مقاله‌های (Jonathan Hans Yoas و Dong Zhang 2023) و همکاران (۲۰۲۳) به بررسی تحول سکونتگاه‌های سنتی و تأثیر ویژگی‌های فضایی در ارتباط با فرهنگ و سازمان اجتماعی

پرداخته‌اند. در این تحقیقات، فضا سازی‌ها نه تنها به شرایط محیطی بلکه به تعاملات اجتماعی و فرهنگی ساکنان خانه‌های سنتی مرتبط هستند.

۲. بخش دوم، مفهوم سلسله‌مراتب فضایی: مقاله‌های مختلفی به تجزیه و تحلیل سلسله‌مراتب فضایی در خانه‌های سنتی پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان به تحقیقاتی مانند مطالعه‌ی «سلسله‌مراتب ورودی خانه‌های تهران» اشاره کرد که با روش توصیفی-تحلیلی، به تأثیر حریم خصوصی و چیدمان فضا در معماری خانه‌های سنتی پرداخته است. همچنین، تحقیقاتی نظیر «تحلیل فضایی خانه‌های حیاطدار یزد» (Mina Zolfagharkhani, 2021) به بررسی ویژگی‌های توپولوژیکی و فضایی خانه‌های یزد پرداخته‌اند که تأثیرات اجتماعی و اقتصادی را در تغییرات فضایی این خانه‌ها نشان می‌دهند.

۳. بخش سوم، الگوهای رفتاری سکونت و تفاوت‌های فضایی: در تحقیقات Jie Ding و Shanshan Ma (2022) و Mohd Khazli و Aswad Khalid و همکاران (۲۰۲۰)، تفاوت‌های فضایی و الگوهای رفتاری در خانه‌های سنتی در مناطقی مانند چین و مالزی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تفاوت‌های پیکربندی فضایی، به‌طور مستقیم تحت تأثیر محیط طبیعی و فرهنگ‌های اجتماعی مختلف شکل می‌گیرند.

۴. بخش چهارم، تأثیر فرهنگ، مذهب و نیازهای اجتماعی بر طراحی فضایی خانه‌ها: در مطالعاتی مانند تحقیق Seyed Reza Hosseini و همکاران (۲۰۱۵) و حائری مازندرانی (۱۳۸۸)، به تأثیر فرهنگ و مذهب در شکل‌گیری فضای خانه‌های سنتی ایرانی پرداخته شده است. این تحقیقات تأکید دارند که طراحی خانه‌های ایرانی، به‌ویژه خانه‌های حیاطدار، تحت تأثیر نیازهای اجتماعی و فرهنگ مردم بوده و به‌ویژه بر مفهوم حریم خصوصی تأکید دارند. این مطالعات، زمینه‌ی لازم را برای تحلیل عمیق تر روابط میان شیوه‌زندگی، فرهنگ و معماری در خانه‌های سنتی ایرانی، به خصوص خانه‌های اعیان نشین دوره ی قاجار، فراهم می‌کند.

۳- روش تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین سلسله مراتب فضای ورودی و شیوه زندگی در خانه‌های تاریخی است. در این پژوهش، به تحلیل نمودهای مختلف این رابطه در فضای ورودی و سلسله مراتب آن پرداخته می‌شود. فضای ورودی به عنوان نقطه عطف و ارتباط‌دهنده فضاهای داخلی و بیرونی خانه‌ها، اهمیت ویژه‌ای دارد. پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ترکیب روش‌های کمی و کیفی انجام شده است. بستر مکانی پژوهش شهر شیراز در دوران تاریخی-فرهنگی بوده و هدف آن تحلیل ویژگی‌های سلسله مراتب فضای ورودی در این شهر است. در راستای این تحقیق، روش‌های مطالعات میدانی برای شناخت عناصر کالبدی به کار گرفته شده است. تحلیل‌ها بر روی پنج خانه متعلق به دوره قاجار در شهر شیراز متمرکز شده و به بررسی جنبه‌های دید و دسترسی در فضاهای مرتبط با ورودی پرداخته شده است. برای گردآوری داده‌ها از روش‌های کیفی مانند مشاهده در محل و مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. رابطه سلسله مراتب فضایی و شیوه زندگی از طریق تحلیل‌های کمی و مبتنی بر روش نحو فضا (Space Syntax) به دست آمده و با استفاده از تحلیل‌های گرافیکی به صورت کیفی توصیف شده است. سپس، داده‌ها با استدلال‌های منطقی و استنتاجی تحلیل و نتیجه‌گیری شده است.

مطالعه سلسله مراتب فضای ورودی در پنج نمونه موردی در سه گام انجام شده است:

۱. گام اول: بررسی مفاهیم اصلی مرتبط با شیوه‌زندگی و سلسله‌مراتب ورودی خانه‌ها و تعیین شاخص‌های مناسب برای تجزیه و تحلیل.

۲. گام دوم: انتخاب نمونه‌های موردی به روش تصادفی طبقه‌بندی‌شده، به‌طوری که هر نمونه در طبقه‌بندی اعیان قرار گیرد.

۳. گام سوم: تحلیل خانه‌ها با استفاده از نرم‌افزار UCL Depthmap و بر مبنای مفهوم نحو فضا. داده‌های استخراج‌شده به صورت گرافیکی نمایش داده شده و در نهایت، داده‌ها جمع‌بندی، تحلیل و نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

۴- بدنه تحقیق

۴-۱- شیوه زندگی

ترکیب «سبک زندگی» در زبان‌های مختلف به‌طور گسترده‌ای استفاده شده و معانی متفاوتی در فرهنگ‌های گوناگون دارد. در ادبیات انگلیسی، واژه‌های مختلفی چون "style of life", "living style", "life style" اشاره به این مفهوم به کار رفته‌اند. در فرهنگ کمبریج (۲۰۰۶)، «سبک زندگی» به عنوان «الگوهای مشخص کنش و فرهنگ که مردم را از یکدیگر تمایز می‌دهند» تعریف شده است (Cambridge, 2006). این تعریف نشان‌دهنده تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی افراد است که از طریق شیوه‌ها و رفتارهای خاص زندگی آن‌ها به‌وضوح قابل

شناسایی است. در لغت‌نامه وبستر (۲۰۰۴)، نیز این واژه به معنای «روش زندگی فرد، گروه یا فرهنگ» آورده شده است (Merriam Webster, 2004)، که بر جنبه‌های فردی و اجتماعی شیوه‌زندگی تأکید دارد. همچنین، لغت‌نامه رندم هاوس (۱۹۸۷) شیوه زندگی را «منعکس‌کننده گرایش‌ها، ارزش‌ها، عادات و نگرش‌ها» تعریف می‌کند که در کنار هم نحوه‌ی زندگی افراد یا گروه‌ها را شکل می‌دهند (Random House, 1987). در زبان فارسی، ترکیب «سبک زندگی» از دو کلمه «Life» به معنای زندگی و «style» به معنای شیوه یا سبک تشکیل شده است. مفهوم «زندگی» در اینجا به امور عینی و ذهنی انسان اشاره دارد و این ترکیب به‌طور کلی به شیوه زندگی افراد یا گروه‌ها و بر اساس ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای آن‌ها اشاره می‌کند. این تعریف به وضوح نشان‌دهنده تأثیر فرهنگ، محیط اجتماعی و فردی در شکل‌گیری شیوه زندگی است.

دیدگاه‌های نظری درباره‌ی شیوه‌ی زندگی در حوزه‌های مختلف علمی، تعاریف متعددی از سبک زندگی ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را در سه گروه عمده دسته کرد: گروه اول، شامل نظریه پردازانی است که بر جنبه‌های ذهنی و درونی فرد تأکید دارند. آلفرد آدلر (۱۹۲۲) به‌طور مشخص بر تیپ شخصیتی و ویژگی‌های فردی در شکل‌دهی سبک زندگی تأکید کرده و آن را به‌عنوان «شیوه نسبتاً ثابت و فردی» توصیف می‌کند که افراد برای رسیدن به اهداف خود از آن استفاده می‌کنند (Adler, 1922). در این دیدگاه، سبک زندگی نه تنها به رفتارهای فردی، بلکه به ویژگی‌های شخصیتی و راهکارهایی که فرد برای حل مشکلات خود انتخاب می‌کند، اشاره دارد.

گروه دوم، بر رفتارها و فعالیت‌های عینی افراد تمرکز دارند. برای مثال، زیمل، نظریه‌پرداز فرهنگ، سبک زندگی را «رابطه‌ی میان فرهنگ عینی و ذهنی» می‌داند. او معتقد است که انسان‌ها برای نمایش فردیت و ارزش‌های خود، رفتارهایی خاص را برمی‌گزینند که به‌طور جمعی به‌عنوان سبک زندگی در نظر گرفته می‌شود (Simmel, 1990, p. 458). از این منظر، انتخاب‌های فردی بر اساس «سلیقه» شکل می‌گیرند در قالب فرهنگ عینی تجلی می‌یابند.

گروه سوم، دیدگاهی بینابینی دارد و سبک زندگی را ترکیبی از جنبه‌های ذهنی و عینی می‌داند. بوردیو (۱۹۸۴) شیوه‌زندگی را مجموعه‌ای از عناصر نظام‌مند و هم‌بسته معرفی می‌کند که جنبه‌های عینی و ذهنی زندگی را به‌طور همزمان نمایان کرده و باعث تمایز اجتماعی افراد و گروه‌ها می‌شود (Bourdieu, 1984). او تأکید دارد که افراد یا گروه‌ها به‌صورت گزینشی این عناصر را برای رسیدن به اهداف خاص خود انتخاب می‌کنند.

آنتونی گیدنز (۲۰۰۶)، فیلسوف و نظریه‌پرداز بریتانیایی، نیز شیوه‌زندگی را مجموعه‌ای از اعمالی می‌داند که افراد به‌طور آگاهانه و برای ابراز هویت فردی خود انجام می‌دهند. به‌طور خاص، گیدنز معتقد است که شیوه‌زندگی می‌تواند از اعمالی تشکیل شود که در طول زمان به عادت تبدیل شده‌اند و افراد، نه به دلیل رفع نیازها، بلکه برای اعطای صورت مادی به هویت فردی خود، آن‌ها را انجام می‌دهند (Giddens, 2006). این دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهند که شیوه‌ی زندگی مفهومی چندوجهی است که شامل ابعاد فرهنگی، اجتماعی و فردی می‌شود و در تعامل با محیط و فرهنگ پیرامون شکل می‌گیرد.

برخی دیگر از پژوهشگران، مانند مهدوی کنی (۱۳۸۷)، سبک زندگی را شامل بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای درونی و بیرونی می‌دانند که تحت تأثیر عوامل محیطی و وراثتی قرار دارند. این دیدگاه بر جنبه‌های فردی و اجتماعی شیوه زندگی تأکید دارد و سبک زندگی را به‌عنوان یک الگوی همگرا از رفتارها و دارایی‌ها معرفی می‌کند که در سطوح فردی و اجتماعی قابل بررسی است (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

در نهایت، این مفهوم نشان‌دهنده‌ی ترکیب و توازن میان جنبه‌های ذهنی و عینی زندگی است که افراد از آن برای تعریف و تجلی هویت خود استفاده می‌کنند. سبک زندگی، در این نگاه، سبک زندگی نه تنها به رفتارها و عادات افراد، بلکه به انتخاب‌های آن‌ها در مواجهه با چالش‌ها و نیازهای زندگی اشاره دارد. در پژوهش حاضر شیوه‌زندگی و سبک‌زندگی معادل یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. در ادامه، جمع‌بندی مولفه‌های سبک زندگی یا شیوه‌زندگی و الگوی آن‌ها جدول شماره ۲ ارائه خواهد شد.

جدول ۱. رویکردهای شیوه زندگی و مولفه‌های آن از نظر نظریه پردازان علوم اجتماعی و روانشناسی (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

محقق	مؤلفه‌های شیوه زندگی	الگو
ولین (۱۸۹۹)، وبر، زیمل (۱۹۰۸)	خودآرایی (پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن، اطفا (رفتارهای حاکی از نجیب زادی یا دست و دل بازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آن‌ها).	الگوی رفتاری، تجلی رفتاری، بینایی، نماد سازوکار روحی و عادات فکری
آدلر (۱۹۵۶)، جیمز کلن (۱۹۶۷)	رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکت به سوی هدف	ذهنی، الگوی فردی، فرهنگی
جیمز مک کی (۱۹۶۹)، میشلن و رد (۱۹۷۰)	ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، باورها و اعتقادات جمعی	ارزش‌ها و باورهای مشترک، رفتارهای عینی، الگوی جمعی
رپاپورت، (۱۹۸۰)	روزمرگی، نیازهای اساسی فردی، خوردن، خوابیدن، پوشش، گذراندن اوقات فراغت، جشن و عزا	نگاه بینایی، الگوی فردی و جمعی
بوردیو، (۱۹۸۴)	خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطر، لباس‌ها و ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات	رفتارهای عینی، الگوی جمعی، نماد هویت فردی و اجتماعی، اقتصادی اجتماعی
گیدنز، (۱۹۹۱-۱۹۹۴)	لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه کنش و محیط دلخواه برای ملاقات کردن دیگران	بینایی، الگوی جمعی، نماد هویت فردی و اجتماعی، فرهنگی
جرالد لسل، (۱۹۹۴)	طبقه بندی اجتماعی، سلیقه، آداب معاشرت و مد به منزلت‌های علائم داشتن جا در نردبان اجتماعی شناخته می‌شوند.	دارایی‌ها، رفتارهای عینی، الگوی جمعی
لیرز، (۱۹۹۶)	ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، شیوه زندگی، فرهنگ اجتماع	الگوی رفتاری، طرز زندگی، رفتارهای عینی، الگوی جمعی
تیلر، (۱۹۹۶)	روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف و لباس، و نگرش‌ها، و جهان بینی فرد	الگوی فردی و جمعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
اشپارگان (۲۰۰۰)، بندیکر (۲۰۱۱)، بهنوئی گدنه (۲۰۱۲)	فرهنگ اجتماعی، هویت فردی و جمعی، رفتارهای فردی افراد، هنجارها و ارزش‌های جامعه، نیازهای اساسی فردی - فرهنگ قومی و اجتماعی - فرهنگ و هویت اجتماعی	نگاه بینایی، الگوی فردی، نماد هویت فردی و جمعی
مهدوی کنی، (۱۳۷۶)	اموال (سرمایه های مصرفی)، فعالیت‌ها (عادات، شغل، گذران اوقات)، فراغت و .. نگرش‌ها و گرایش‌ها، روابط انسانی (از بین فردی گرفته تا اجتماعی)	نگاه بینایی، الگوی فردی و جمعی، الگو همگرا
فاضلی، (۱۳۸۰)	شغل و فرهنگ شغلی، ارزش‌ها و تحلیل ارزشی، دین، تحصیلات، جنسیت و سن و دوره عمر.	نگاه بینایی، الگوی فردی و جمعی
حائری مازندرانی، (۱۳۸۸)	رفتار با خود، با خانواده و با جامعه: رفتارهای خوراکی، پوشاکی، گفتاری، حرکتی و نگاهی.	نگاه بینایی، الگوی فردی و جمعی، الگو همگرا
یزدانی و همکاران، (۱۳۹۵)	ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های معمولی روزانه، نیازهای مادی و معنوی	نگاه بینایی، الگوی فردی و جمعی

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که تعریف‌های متعددی که جامعه‌شناسان از سبک زندگی ارائه کرده‌اند، تفاوت جوهری چندانی با یکدیگر ندارند و می‌توان آن‌ها را در یک تعریف جامع خلاصه کرد: سبک زندگی عبارت است از الگوی رفتاری عینی یا عینی و ذهنی که فرد و جامعه برمی‌گزیند تا به صورت نمادین، او را از افراد یا گروه‌های دیگر متمایز کند. آنچه با این نماد نمایان شده و موجب تمایز می‌شود، ممکن است فردیت، هویت، منزلت اجتماعی یا سازوکار روحی و عادات فکری باشد (جباران، ۱۳۹۴). در این پژوهش، نگاهی بینایی به سبک زندگی مدنظر قرار گرفته است، که دربرگیرنده هر دو جنبه عینی (رفتارها و فعالیت‌ها) و جنبه ذهنی (ارزش‌ها و نگرش) است. چارچوب این پژوهش نیز بر همین اساس پیش می‌رود و تلاش دارد تا تعامل و ارتباط میان این دو جنبه را در قالب شیوه زندگی تحلیل و بررسی کند.

اتصال به حیاط یا قلب خانه تنها از طریق دروازه ورودی صورت می گیرد، اما این انصال هیچگاه مستقیم نیست. بلکه در پشت در ورودی، فضای هشتی قرار دارد و سپس با پشت سر گذاشتن هشتی و طی کردن دالان، امکان دسترسی به حیاط میسر می گردد. این ساختار، هرگونه نگاه مستقیم به این باغ درونی، حتی در زمان باز بودن در ورودی خانه، ناممکن می سازد (اردلان & بختیاری، ۱۳۸۰، ص. ۱۷).

پیش ورودی: ورودی خانه های تاریخی فضایی اتصال - انتقالی است که معبر را به درون خانه متصل می کند (حائری مازندرانی، محمدرضا، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۸). این بخش، عرصه ای عمومی محسوب می شود که مکان تغییر مسیر حرکت جهت ورود به یک بنا و همچنین فضایی برای توقف و انتظار در جلوی بنا را از فضای عبور متمایز می کند (سلطان زاده، ۱۳۷۲). به بیان دیگر، ورودی مانند یک مفصل برای اتصال دو مکان عمل می کند و نه به عنوان تیغه ای برای تفکیک دو فضا. بنابراین، فضای جلوی خانه در ورودی، که عمومی ترین فضای آن محسوب می شود، از طریق درب ورودی اصلی به بخش های عمومی خانه مرتبط می گردد.

جلو خان: واژه ی «جلو خان» از ترکیب دو کلمه «جلو» به معنای «پیش، رو و روبرو» و «خان» در ادبیات به معنای «خانه و سرا» تشکیل شده است (عمید، ۳۷۸-۴۳۸-۱۳۴۲). در لغت نامه معین این واژه با معانی مختلفی مانند «پیشگاه خانه» «میدانی که در جلو عمارت و منزل واقع شده است» (معین ۱۳۶۰، ۱۲۳۸) (محمدی مزرعه، ۱۴۰۰). ورودی خانه در فضای جلو خان قرار دارد، که به عنوان فضایی شاخص، حالت دعوت کنندگی ایجاد می کند. عقب نشینی فضای جلو خان نسبت به گذر، نمایان گر اعتقاد مردم به عدم تجاوز به حقوق دیگران است. اغلب خانه ها، به ویژه خانه های مجلل، دارای سردر یا درگاه هستند. سر در ورودی نشان دهنده ی شخصیت و هویت بنا در برابر انسان است. معمولاً سطح سردر با آجرهای نقش دار مزین می شود (بمانیان، ۱۳۹۶). این سردرها دارای فرم های خاصی هستند که به زیبایی جداره های ورودی می افزایند (محمدی مزرعه، ۱۴۰۰).

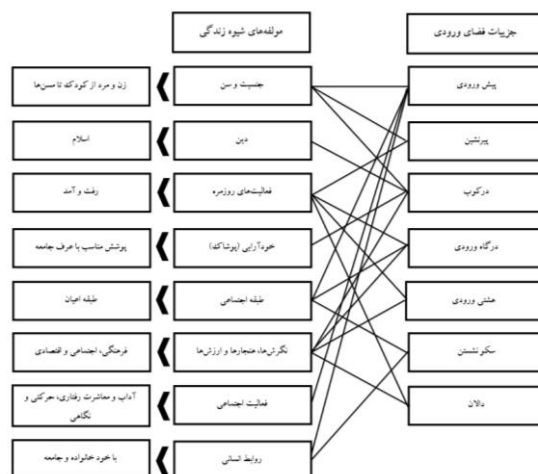
پیرنشین: فضاهای جمعی، بخشی از اجزای شهری هستند که شهروندان را قادر می سازد در آن ها به تعاملات اجتماعی بپردازند (135-141:1998, Gulick). یکی از این فضاهای تجمعی، ورودی بناها است که شامل دو سکو در دو طرف درب ورودی می شود. این سکوها به عنوان محلی برای نشستن هنگام انتظار، ورود یا صحبت با اعضای خانه استفاده می شوند. همچنین، بسیاری از افراد مسن بخشی از اوقات فراغت خود بر روی این سکوها به گفتگو یا تعامل اجتماعی می پردازند (طوفان، ۱۳۹۰:۱۳۶).

دروازه ورودی: در معماری خانه های سنتی، درهای ورودی منازل اغلب کوچک و سنگین ساخته می شدند. این ویژگی باعث می شد که نمای بیرونی خانه ساده و بی پیرایی به نظر برسد و افراد غریبه هنگام ورود به یک منطقه سنتی، به دلیل نبود نمای شاخص، مسیر خود را گم کنند (محمدی مزرعه، ۱۴۰۰). در ورودی به وسیله ساکنان خانه کنترل می شود و به عنوان دروازه ای میان محیط بسته ی داخلی و جهان باز بیرون عمل می کند. این دروازه، بسته به مقیاس، دو ویژگی اصلی دارد: تبدیل پذیری و نفوذپذیری. خاصیت تبدیل پذیری از آنجا ناشی می شود که در آستانه ورودی معمولاً حریمی به حریم دیگر تبدیل می شود (بمانیان، ۱۳۹۶). ورودی خانه، علاوه بر نقش عملکردی، به عنوان جایی برای خوش آمدگویی به مهمانان و مکانی برای حفظ حریم خصوصی و ایجاد سلسله مراتب طراحی شده است. فرایند ورود نشان دهنده تواضع است (Kateb, 2005) (Safarian & Azar, 2020). در برخی خانه های سنتی، درکوب های متفاوت برای زنان و مردان وجود داشت: درکوب با صدای نازک برای زنان و درکوب چکشی با صدای قوی تر برای مردان. این تفاوت ها به صاحبان خانه امکان می داد تا جنسیت شخص پشت در را تشخیص دهند (Nosrat Pour, 2012). در واقع، ورودی اولین نقطه ای است که می توان تأثیر فرهنگ، باورهای مذهبی، نوع شیوه زندگی را مشاهده کرد.

هشتی: فضایی است که بلافاصله پس از ورود به خانه شکل می گیرد. فضای میان آستانه ی در تا درون هشتی قرار دارد، «پلنگ» نامیده می شود، هشتی به عنوان فضای میانجی درون و بیرون یک ساختمان عمل می کند، چرا که درون خانه دارای حریم محسوب می شود و هرگز نمی شود از بیرون به یکباره به اندرون خانه پا گذاشت. هشتی فضایی است که از درون خانه به بیرون آمده و تنها نقطه ای است که با فضای بیرون خانه ارتباط دارد. از عملکردهای مهم هشتی می توان به ایجاد مکث، تقسیم فضایی و فراهم کردن فضایی برای انتظار اشاره کرد. پوشش های هشتی تنوع بسیاری دارند و معمولاً با کاربردی های زیبا تزئین می شوند (کاتب، ۱۳۹۱). اشکال هشتی ها اغلب به شکل چندضلعی طراحی و ساخته می شوند، اما نمونه با طرح مربع، مستطیل، و دیگر چند ضلعی ها نیز در معماری خانه های ایرانی دیده می شود (کاتب، ۱۳۹۱). ارتفاع سقف هشتی معمولاً کوتاه است تا هنگام عبور از ورودی و ورود به این فضا، حس حریم خصوصی تقویت شود. (Nosrat Pour, 2012) همچنین هشتی علاوه بر حریم فیزیکی، حس مردم واری را نیز با نزدیک کردن ارتفاع به مقیاس انسانی القا می کند. در خانه های سنتی ایرانی، هشتی بخش مهمی از توالی و سلسله مراتب ورودی به شمار می رود. این فضا به عنوان یک نقطه ای برای توقف طراحی شده

و گاه به عنوان یک اتاقی موقت برای پذیرایی از مهمانانی که نیازی به ورود به فضای داخلی خانه ندارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (Edwards, 2006) (Hosseini, Nik Ethegad, Uson Guardiola, & Armesto Aira, 2015). این فضا همچنین از لحاظ ارزش‌ها و هنجارها ملی، (مهمان‌نوازی و احترام به دریافت فرد از محیط) به وجود سکوهایی اطراف هشتی جهت ایجاد فضایی مناسب برای روشن کردن شمع، استراحت و انتظار اشاره کرد. (معماریان، غلام حسین، ۱۳۹۲) کاربردی‌های موجود در سقف هشتی ارتفاع محیط را به ارتفاع انسانی نزدیک می‌کرده تا حس حقارت در افراد از بین برود (مردم‌واری) و در همین مرحله فرصتی برای تصمیم‌گیری ایجاد شود (بمانیان، ۱۳۹۶). همچنین مسیر دسترسی به ناحیه‌ی خصوصی و پذیرایی در خانه‌هایی که دارای حیاط هستند، از طریق هشتی امکان‌پذیر بوده است. بنابراین، هشتی هم عملکردی معماری دارد و هم با ظرایف زندگی اجتماعی هماهنگ شده است. معمولا این فضا شامل ورودی اصلی و راهروی منتهی به حیاط خانه است (بمانیان، ۱۳۹۶).

دالان یا دهلیز، راهرویی است که هشتی را به میانسرا متصل می‌کند. هشتی‌ها و دالان‌ها اغلب در ترکیب با یکدیگر قرار گرفته و فضای واحد و مشترکی را بین چند خانه ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر، در مرز بین دو عرصه‌ی بیرونی و اندرونی قرار داشته و به عنوان پیوند دهنده‌ی فضای داخل و خارج به شمار می‌روند. از یک سو، دالان بخشی از فضای ورودی خانه محسوب می‌شود از سوی دیگر، به عنوان فضایی داخلی در نظر گرفته می‌شود (مهدی پور، جعفری، و سعادت‌ی، ۱۳۹۲). این فضاها معمولا با یک ورودی به راه‌های محله‌ای متصل شده و ارتباط خانه‌های مربوطه را با بیرون تأمین می‌کنند. دالان‌ها به عنوان حلقه‌ی فضایی میان خانه‌ها (به عنوان فضاهای خصوصی) و محیط عمومی عمل می‌کنند و عرض کمی دارند (بمانیان، ۱۳۹۶). دالان‌ها معمولا به گوشه‌ای از حیاط ختم می‌شوند تا افراد به طور ناگهانی به قلب خانه دید نداشته باشند، و اعضای خانواده بتوانند بدون مزاحمت حیاط هدایت می‌شوند تا از دید مستقیم از فضای بیرونی به داخل جلوگیری کنند فعالیت‌های خود بپردازند. مسیر ورودی ابتدا به حیاط هدایت می‌شود و سپس به سایر بخش‌های خانه می‌رسد (Golboo, 2016). گاهی دالان‌ها به شکل مارپیچ طراحی می‌شوند تا از دید مستقیم از فضای بیرونی به داخل جلوگیری کنند (بمانیان، ۱۳۹۶). در پیرامون دالان‌ها، برخی از فضاهای ورودی نیز شامل صفاهایی می‌شد که کارکردی مشابه سکوی پیش طاق ورودی داشتند. جنس این سکوها، به ویژه در فضاهای بزرگ و مهم، اغلب از سنگ تراش خورده یا ساروج بود، در حالی که در برخی خانه‌ها از آجر استفاده می‌شد (طوفان، ۱۳۹۰: ۱۳۶). این فضا نه تنها عملکردی معماری دارد، بلکه با الگوهای زندگی اجتماعی ساکنان نیز هماهنگ شده است. شکل شماره ۲ ارتباط فضای ورودی را با مولفه‌ها شیوه زندگی به وضوح نشان می‌دهد.



شکل ۲: مؤلفه‌های تأثیرگذار شیوه زندگی در مفهوم سلسله مراتب ورودی برآمده از نظریه نظریه پردازان (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

سلسله‌مراتب ورودی خانه در معماری

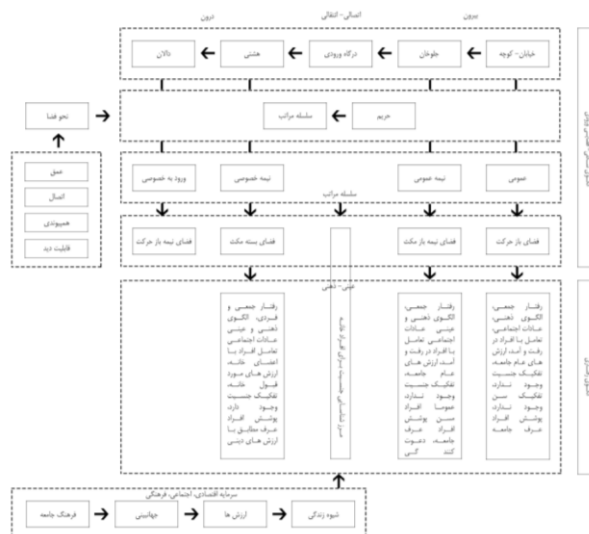
سلسله‌مراتب در معماری سنتی ایرانی به عنوان اصلی بنیادی در طراحی فضاها عمل می‌کند. این اصل در تفکیک و سازماندهی فضاهای مختلف خانه‌های ایرانی از جمله فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی اهمیت دارد. سلسله‌مراتب در ورودی خانه‌ها، به ویژه به عنوان ابزاری برای حفظ حریم خصوصی و کنترل دسترسی به فضاهای داخلی به کار می‌رود. این طراحی‌ها، تحت تأثیر باورهای اجتماعی، مذهبی و فرهنگی بوده و موجب ایجاد هویت فضایی در محیط‌های معماری می‌شوند.

سلسله مراتب در معماری به ترتیب و توالی فضاها و اجزا در یک مجموعه اشاره دارد که هدف آن ایجاد نظم و هویت بخشی به فضاها است. طبق تعریف دیکشنری ها، سلسله مراتب سیستمی است که در آن افراد یا پدیده ها، بر اساس ویژگی های خاصی از بالا به پایین طبقه بندی می شوند (Huff, 1995; Mayhew, 2003). در معماری، این اصل باعث جدایی مناطق عمومی و خصوصی شده و حریم خصوصی را برجسته می کند (سلطانزاده، ۱۳۹۰). همچنین، سلسله مراتب فضایی به معنای ارزیابی اهمیت فضاها بر اساس معیارهایی چون بزرگ به کوچک یا مرکز به حاشیه است (Clark, 1986؛ جهان، موحد و تقی پور، ۱۴۰۰).

سلسله مراتب در معماری سنتی ایران، به ویژه در خانه های سنتی، موجب تعریف نظم میان فضاها، باز، بسته، و نیمه باز شده و ارتباط درونی انسان با محیط پیرامونی را تقویت می کند (نقی زاده، ۱۳۷۸؛ رستمی و مرادی، ۱۳۹۴). این اصول به نیازهای انسانی و فرهنگی و همچنین ارزش های دینی و عرفانی مرتبط است که در طراحی فضاها لحاظ می شود (شیرخانی و همکاران، ۱۴۰۰). در نهایت، سلسله مراتب در فضاها معماری ایرانی، از جمله خانه ها، نقش مهمی در ایجاد پیوستگی و ارتباط منسجم میان فضاها داخلی و بیرونی ایفا می کند (Taghipour, ۲۰۱۸). این سلسله مراتب با توجه به فرهنگ، نیازهای کاربران و عملکرد فضاها تنظیم می شود.

سلسله مراتب ورودی در معماری سنتی به معنای ترتیب و نظم خاصی است که فضاها، به ویژه در ورودی خانه ها، بر اساس آن سازمان دهی می شوند. این سلسله مراتب به نحوه استقرار فضاها و ارتباط آن ها با یکدیگر بستگی دارد و در نتیجه، به ایجاد حریم خصوصی و مرز میان فضای داخلی و بیرونی کمک می کند (حیدری و دیگران، ۱۳۹۶). فضاها ورودی خانه ها در معماری سنتی ایران، از نظر طراحی، نه تنها به عنوان نقطه اتصال داخل و خارج عمل می کنند، بلکه با رعایت اصول سلسله مراتب دسترسی، امنیت و حریم بیشتری ایجاد می کنند. در همچنین، ورودی اغلب به گونه ای طراحی می شود که به طور مستقیم به فضای داخلی راه پیدا نمی کند. این مسیر می تواند غیرمستقیم، پیچیده یا مارپیچ باشد تا از ورود ناگهانی جلوگیری کرده و حریم خصوصی خانه را حفظ کند (سلطانزاده، ۱۳۹۰). در این راستا، سلسله مراتب فضای ورودی به تفکیک عرصه های عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی کمک کرده و دسترسی ها را کنترل می کند (شیخ بهائی، ۱۳۹۸). به طور خاص، سلسله مراتب ورودی به بازتعریف و نظم دهی فضاها در خانه های سنتی کمک می کند و تغییرات از عرصه های عمومی به خصوصی را به وضوح نشان می دهد. این تغییرات نه تنها از لحاظ دسترسی بلکه از نظر بصری و اجتماعی نیز به طور دقیق تعریف می شود و به حفظ حریم خصوصی کمک می کند (مومنی و ناصری، ۱۳۹۴؛ Golboo, 2016).

در نتیجه، سلسله مراتب ورودی خانه های سنتی نه تنها بر اساس نیازهای فیزیکی و اجتماعی بلکه بر اساس باورهای فرهنگی و مذهبی نیز تنظیم می شود و به نحوه تعامل افراد با فضا و محیط پیرامونی شکل می دهد. در نهایت می توان گفت بیان می شود که سلسله مراتب عمومی به سلسله مراتب فضایی در خانه سنتی تبدیل می شود و تغییرات فضا از عرصه عمومی به عرصه کاملاً خصوصی را نشان می دهد. این مفهوم بر تفاوت میان فضای درون و بیرون تأکید دارد (ارمغان و ثروتجو، ۱۳۹۱: ۳). تقسیم بندی عرصه ها در شکل زیر به آن اشاره شده است، شکل شماره ۳.



شکل ۳: رابطه شیوه زندگی و سلسله مراتب ورودی (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

۳-۴- نظریه نحو فضا

نظریه نحو فضا یکی از نظریه‌های مهم در زمینه تحلیل و طراحی فضای معماری است که به مطالعه چگونگی چیدمان فضاها و ارتباطات آن‌ها با یکدیگر پرداخته و به پدیدارشناسی فضا توجه دارد. این نظریه ابتدا در انگلستان توسط بیل هیلیار و جولیان هانسون در کتاب «منطق اجتماعی فضا» در سال ۱۷۹۱ مطرح شد و بر این اصل استوار است که فضا نه تنها محیطی برای فعالیت‌ها بلکه جزء اصلی و ذاتی شکل‌گیری رخدادهای اجتماعی و فرهنگی است. طبق این نظریه، فضا از سه طریق معنا پیدا می‌کند: حرکت در فضا، تعامل با دیگران در فضا و مشاهده آن از یک نقطه خاص. به عبارت دیگر، فضا در این نظریه نه تنها به عنوان یک محیط فیزیکی بلکه به عنوان یک کاتالیزور برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود. همچنین، چیدمان فضا در کنار یکدیگر و روابط متقابل بین فضاها موجب تغییراتی در سطح کل پیکربندی فضایی خواهد شد.

در این پژوهش، چهار شاخصه اصلی برای تحلیل فضای معماری انتخاب شده است: عمق، قابلیت دید، همپیوندی فضایی و اتصال. این شاخص‌ها کمک می‌کنند تا نحوه چیدمان فضاها و تاثیر آن‌ها بر جریان اجتماعی و فرهنگی بهتر درک شود. به طور کلی، نظریه نحو فضا بر این باور است که هر تغییر در نحوه چیدمان فضا می‌تواند بر کیفیت و نوع فعالیت‌های اجتماعی و تعاملات در آن فضا تأثیر بگذارد. این تکنیک در معماری و شهرسازی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است و در تحلیل‌ها و طراحی‌های معاصر به کار می‌رود تا ارتباطات فضایی و اجتماعی بهینه‌تری ایجاد شود.

۳-۴-۱- کاربرد روش چیدمان فضا در بررسی سلسله‌مراتب ورودی

با توجه به موضوع پژوهش، روش نحو^۱ یا چیدمان فضایی به عنوان بهترین روش کمی برای دستیابی به داده‌های مورد نیاز انتخاب شده است. ابزار مدل‌سازی مورد استفاده در این روش، UCL Depthmap است که امکان تحلیل‌های کیفی و کمی را به صورت همزمان فراهم می‌کند. پس از برداشت نقشه‌های خانه‌های سنتی منتخب، تحلیل سلسله‌مراتب فضای ورودی این خانه‌ها با استفاده از این نرم‌افزار انجام شده است (شامل شاخص‌های عمق، قابلیت دید و همپیوندی). برای استفاده از این ابزار، ترسیم نقشه‌های خانه‌ها ضروری است. این نقشه‌ها از طریق مشاهدات میدانی در محل و همچنین استفاده از فایل‌های موجود در سازمان میراث فرهنگی تهیه شده‌اند.

عمق^۲: عمق فضا یا نفوذ پذیری یکی از شاخص‌های اصلی در روش چیدمان فضا است. این شاخص به دو بخش تقسیم می‌شود: قسمت اول به معنی عمق متریک و یا همان فاصله میان دو گره است. قسمت دوم به معنای تعداد گره‌هایی که برای رفتن از یک گره یا نقطه به گره یا نقطه دیگر طی شود. در اغلب موارد، عمق نسبت به ورودی بنا سنجیده می‌شود (معماریان، ۱۳۸۱). عمق متریک به کمک نرم افزار UCL Depthmap محاسبه شده و پارامتری مستقل از ترکیب فضا به شمار نمی‌آید. عمق مرحله‌ای نیز با استفاده از تحلیل نمودارهای توجیهی قابل استخراج است (یزدانی فر و همکاران، ۱۳۸۷).

اتصال^۳: اتباط یا درجه، تعداد پیوندهایی را که به یک گروه در فضا می‌رسند، نشان می‌دهد. هر گره که تعداد اتصالات بیشتری داشته باشد، ارتباط بیشتری با گره‌های دیگر دارد و از حمایت بیشتری بهره‌مند می‌شود (افتاده، ۱۳۹۵). این شاخص همچنین نشانگر گره‌های فعال در فضا است (Wasserman & Faust, 1999). اتصال فضاها برای شناسایی فضاهای جمعی و تسهیل گردش میان فضاها شاخص مناسبی است (Young & et al 2015, 16:2). به عبارت دیگر، هرچه تعداد اتصالات یک فضا با فضاهای مجاور بیشتر باشد، آن فضا عمومی‌تر است؛ و هرچه این مقدار کمتر باشد، فضا خصوصی‌تر است (یزدانیفر و همکاران، ۱۳۸۷).

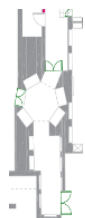
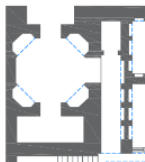
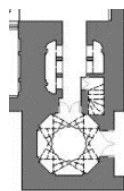
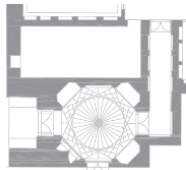
همپیوندی^۴: همپیوندی یا یکپارچگی، به میزان پیوستگی یک فضا با سایر فضاها اشاره دارد و رابطه‌ای معکوس با شاخص عمق دارد. به این معنا که یک گره وقتی دارای همپیوندی بالایی است که سایر گره‌ها در عمق کمی نسبت به آن قرار گرفته باشند (Peponis ۲۰۰۳:۴۵). این شاخص نشانگر پیوستگی یا جدایی یک گره از سیستم کلی یا سیستم‌های فرعی است. فضایی که همپیوندی بیشتری داشته باشد، با فضاهای دیگر یکپارچگی بیشتری دارد. شاخص همپیوندی رابطه‌ای خطی با شاخص اتصال دارد؛ به طوری که همپیوندی بیشتر برابر است با ارتباط بیشتر (al et Kamalipur, 2012). همپیوندی مربوط به قابلیت دسترسی نحوی (Syntax Accessibility) است و نه قابلیت دسترسی متریک. در این روش، از عبارت «عمق فضا» به جای «فاصله» برای توضیح دوری یک فضای مشخص از فضای دیگر استفاده می‌شود. این داده‌ها نیز از طریق تحلیل نمودارهای توجیهی قابل استخراج هستند (Reham & Ayman, 2015) (بابازاده اسکویی، طوفان، & جمالی، ۱۳۹۹).

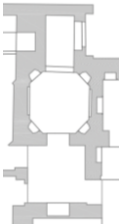
قابلیت دید^۵: ایده تحلیل قابلیت دید از تئوری گیبسون (Gibson, 1986) گرفته شده است. این تئوری، جریان بصری افراد در محیط را توضیح داده و رابطه بین مشاهده‌کننده و محیط را تبیین می‌کند. (گیبسون، ۱۹۸۶: ۴). گیبسون معتقد است که دید افراد در محیط با زاویه ای حدود ۱۲۰ درجه تنظیم می‌شود و بر اساس این زاویه، نحوه ی حرکت و مشاهده ی افراد در محیط شکل می‌گیرد.

۴-۴- بررسی نمونه موردی

در دوران فرمانروایی سلسله قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ خورشیدی/۱۷۹۶-۱۹۲۵ میلادی)، ایران شاهد تغییرات مهمی بود؛ از جمله برپایی دوباره یک حکومت مرکزی پایدار و مداخلات قدرت‌های اروپایی در امور داخلی کشور (بانی مسعود، ۱۳۸۸). سلسله قاجار حدود ۱۳۰ سال بر ایران فرمانروایی کردند. با این حال، به دلیل ضعف حکومت در این دوران، بناهای عام‌المنفعه و عمومی به تعداد و مقیاس دوره صفویه ساخته نشدند. در عوض، ساخت خانه‌های شاخص و متعلق به متمولین رونق گرفت (قوچانی و عربی، ۱۳۹۹: ۲۴۱). در پژوهش حاضر، خانه‌های اعیان‌نشین مورد توجه قرار گرفته‌اند که مشخصه اصلی موضوع مطالعه هستند. در شهر شیراز، همانند دیگر شهرها، طبقات اجتماعی بر اساس نوع و موقعیت اقتصادی خود متمایز می‌شدند. در جامعه قاجار، زیرمجموعه اعیان شامل طبقه سرآمدان مالی و اجتماعی بود. خانه‌های اعیان‌نشین دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی بودند. یکی از خصوصیات بارز این خانه‌ها، شباهت الگوهای مسکن و فضای ورودی آن‌ها بود که از فرهنگ آن دوران نشأت می‌گرفت. پنج خانه اعیان‌نشین انتخابی متعلق به عهد قاجار برای این پژوهش به شرح جدول شماره ۳ مشخص شده‌اند.

جدول ۲: مشخصات خانه‌های عهد قاجار، تحلیل ریز فضاهای ورودی (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

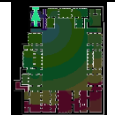
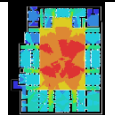
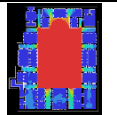
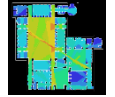
خانه	پیش ورودی	هشتی	دالان	فضای ورودی
رجبعلی هوایی، مساحت: ۱۱۶۹ مترمربع، کالبدی: مستطیل شکل حیاط مرکزی، چهار طرف بنا ساخت، دارای یک در ورود از سمت غرب، دارای یک ورودی در سمت غرب	پیش ورودی ندارد.	شکل هشتی: هشت ضلعی، سقف گنبدی با کاربندی، آجرکاری دارای ۴ سکو به شکل نیم هشت، ابعاد به شکل تقریبی ۲/۳۰*۲/۳۰، مساحت هشتی ۷/۵۹ متر مربع، فضای نیمه خصوصی، فضای بسته، فضای مکث	با دو دالان به شکل مستطیل در دو طرف دالان اصلی با ابعاد ۱/۷۸*۴/۶۶، فضای تقسیم به سمت حیاط، فضای نیمه باز، فضای نیمه خصوصی، فضای حرکتی	
زینت الملک، مساحت: ۱۰۲۰ مترمربع، کالبدی: دو قسمت بیرونی و اندرونی: پلان به شکل مستطیل با حیاط مرکزی، ورودی در سمت شرق با ۹۰ درجه چرخش به سمت حیاط	سردر ورودی دارای مقرنس های آجری دارای دو سکوی پیرنشین، فضای نیمه عمومی، فضای نیمه باز، فضای مکث	شکل هشتی: هشت ضلعی، سقف گنبدی با کاربندی، آجرکاری دارای ۳ سکو به شکل مستطیل ابعاد به شکل تقریبی ۲/۴۰*۲/۴۰، مساحت هشتی ۶/۸۰ متر مربع، فضای نیمه خصوصی، فضای بسته، فضای مکث	دالان به شکل مستطیل با ابعاد ۴/۵۰*۰/۶۷، فضای تقسیم به سمت حیاط، فضای نیمه باز، فضای نیمه خصوصی، فضای حرکتی	
فروغ الملک، مساحت: ۱۰۲۰، پلان مستطیل با حیاط مرکزی و اتاقهای جنبی و یک حوضخانه در ضلع شمال غربی با شاهنشین و دو ستون سنگی، دارای سه ورودی، ورودی در سمت شمال با ۹۰ درجه چرخش وارد دالان دیگر بعد حیاط	مساحت: ۳/۲۷ متر مربع، فضای نیمه عمومی، فضای نیمه باز، فضای مکث	شکل هشتی: هشت ضلعی، سقف گنبدی با کاربندی، دارای تزئینات آجرکاری، ابعاد به شکل تقریبی ۴/۴۰*۴/۵۰، مساحت هشتی ۲۱ متر مربع، فضای نیمه خصوصی، فضای بسته، فضای مکث	دالان به شکل مستطیل با ابعاد ۵/۴۰*۱/۷۰، فضای تقسیم به سمت حیاط، فضای نیمه باز، فضای نیمه خصوصی، فضای حرکتی	
منصوری، مساحت: ۷۰۴ متر مربع، کالبدی: مستطیل شکل حیاط مرکزی، از دو بخش اندرونی و بیرونی، چهار طرف بنا، ورودی بنا مجلل و معرق کاری شده در سمت غرب، دارای دو ورودی که هر دو به	پیش ورودی بسیار وسیع مجلل با ابعاد وسیع و کاربندی سقف دارای کاشیکاری و معرق کاری و دارای دو پیرنشین، مساحت جلوخان: ۴/۶۰، فضای نیمه عمومی،	شکل هشتی: هشت ضلعی، سقف گنبدی دارای تزئینات آجرکاری دارای ۴ سکو به شکل نیم هشت، ابعاد به شکل تقریبی ۴/۳۰*۴/۱۰، مساحت هشتی ۱۷ متر مربع،	دالان به شکل مستطیل با ابعاد ۱/۱۸*۶/۶۲، فضای تقسیم به سمت حیاط، فضای نیمه باز، فضای نیمه خصوصی، فضای حرکتی	

هشتی باز می شود ورودی از سمت غرب و جنوب	فضای نیمه باز، فضای مکث	فضای نیمه خصوصی، فضای بسته، فضای مکث		
توتونچی، مساحت: ۶۶۱ مترمربع، کالبد: مربع شکل، حیاط مرکزی، چهار طرف ساخت، ورودی از سمت، دارای دو در ورودی و ورودی اصلی جبهه شمالی و ورودی دوم جبهه غربی	پیش ورودی دارد و دارای پیرنشین است. مساحت: ۱ متر مربع، فضای نیمه عمومی، فضای نیمه باز، فضای مکث	شکل هشتی: هشت ضلعی دارای تزئینات آجرکاری و کاشی کاری، دارای ۴ سکو به شکل دوزنقه سقف هشتی به شکل مسطح، ابعاد به شکل تقریبی $۳/۴۰ \times ۳/۴۰$، مساحت هشتی و دالان ورودی ۱۷ متر مربع، فضای نیمه خصوصی، فضای بسته، فضای مکث	دالان به شکل مربع با ابعاد $۳/۱۸ \times ۳/۱۸$، فضای تقسیم به سمت حوضخانه اندرونی و بیرونی، فضای نیمه باز، فضای نیمه خصوصی، فضای حرکتی	

بحث و یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای بررسی میدان دید فضاها (ارتباط بصری بین هر فضا با سایر فضاها) و اشراف فضایی، از چهار آنالیز عمق، اتصال، همپوندی و قابلیت دید استفاده شده است. به‌طور کلی، نقاطی که بیشتر در دید قرار دارند و ارتباط بهتری با سایر نواحی برقرار می‌کنند، در طیف رنگ‌های سردتر نمایش داده شده‌اند. در مقابل، نقاطی که کمتر در دید قرار داشته و ارتباطات کمتری با سایر نواحی دارند، در طیف رنگ‌های گرم‌تر مشخص شده‌اند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های بررسی شده، میزان دید و دسترسی فضاها است. تحلیل این شاخص، پاسخگوی انسجام و یکپارچگی فضاها، حفظ حریم و محرmit، و قابلیت دسترسی فیزیکی و بصری بوده و با میزان خوانایی و نحوه سلسله‌مراتب فضاها ارتباط مستقیمی دارد. بنابراین، آنالیز گراف میدان دید بهترین پاسخ را در مورد این شاخص‌ها ارائه می‌کند. نیاز انسان به حریم شخصی و احساس راحتی در فضای خانه، تأثیر بسزایی بر مؤلفه‌های دید و محرmit دارد. سلسله‌مراتب فضایی در خانه‌های سنتی ایران از نظر عملکردی و حفظ محرmit، نقد مثبتی دریافت کرده و از عوامل مهم و شکل‌دهنده فضای خانه‌های سنتی به شمار می‌رود. با تحلیل نرم‌افزار UCL Depthmap و استفاده از آنالیز محدب بر روی چهار شاخص تکنیک چیدمان (عمق، ایزوویست، همپوندی و اتصال)، یافته‌های پژوهش در جدول شماره ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۳: تحلیل سلسله مراتب فضای ورودی (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

+Integration connectivity	Isovist			Integration			Connectivity			Metric step			
	max	avrage	min	max	avrage	min	max	avrage	min	max	avrage	min	خانه
													هواپی
	۷.۹۹	۷.۹۹	۷.۹۹	۲۰.۹۶	۱۲.۳۵	۳	۳۵۶۰	۱۸۶۲.۸۴	۲	۴۲.۹۳	۲۲.۳۷	۰	
													زینت الملک
	۵.۸۹	۵.۸۹	۵.۸۹	۱۶۰.۷	۹.۶۳	۲.۴۱	۴۷۹۹	۲۲۸۳.۹۲	۱۸	۲۹.۷۸	۱۷.۲۳	۰	
													فروغ الملک
	۲۰.۱۴	۱۷.۴۰	۱۴.۶۵	۱۰.۵۶	۵.۷۴	۲.۶۸	۲۲۱۲	۸۱۰.۵۰	۷	۷	۴.۱۹	۰	

جدول ۴: تحلیل سلسله مراتب فضای ورودی با استفاده از گراف توجیهی (ماخذ: نگارندگان، ۱۴۰۳)

تحلیل عمق متریک، که با استفاده از ابزار متریک استپ بررسی شده، عمق فضاها در تمامی خانه‌ها از ورودی مورد سنجش و تحلیل قرار گرفته‌است. به‌طور کلی، فضاهایی که در عمق کمتری قرار دارند، فضاهایی هستند با رفت‌وآمد بیشتر. در مقابل، فضاهایی که در عمق بیشتری قرار گرفته‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتب فضایی، فضاهای دنج و خلوتی هستند که از دید مستقیم خارج‌اند. همچنین، بخش‌های خصوصی و عمومی خانه‌ها (اندرونی و بیرونی) بر اساس عمق فضایی نسبت به ورودی مشخص می‌شوند. فضاهای عمومی یا در دسترس با رنگ‌های سبزتر و فضاهای خصوصی‌تر با رنگ گرم‌تر در نمودارها نمایش داده شده‌اند. تحلیل عمق متریک نشان می‌دهد که خانه‌هایی دارای بیشترین عمق و خانه فروغ‌الملک دارای کمترین عمق است. برای بررسی دقیق‌تر فضای ورودی، با استفاده از نرم‌افزار ایگراف، گراف توجیهی عمق مرحله‌به‌مرحله توصیف شده است. این تحلیل نشان می‌دهد که هر پنج خانه مورد مطالعه، گره‌هایی با ویژگی‌های مشابه دارند.

تحلیل همپیوندی، در بررسی خانه‌های قاجار، به میزان پیوستگی یا جدایی یک فضا نسبت به سایر فضاهای موجود در پیکربندی اشاره دارد. همچنین، این شاخص میزان در دسترس بودن هر فضا را نسبت به دیگر فضاها نشان می‌دهد. با استفاده از ابزار اینترگریشن، تحلیل و ارزیابی این شاخص انجام شده است. این ابزار برای بررسی سلسله‌مراتب دسترسی‌ها در فضا مورد استفاده قرار گرفته است. فضاهایی که ارتباط کمتری با سایر فضاها دارند، دارای عمق بیشتری هستند و به‌عنوان فضاهای خصوصی‌تر شناخته می‌شوند. در مقابل، فضاهایی که در عمق کمتری قرار داشته و ارتباطات بیشتری برقرار می‌کنند، فضاهای عمومی‌تری محسوب می‌شوند. این فضاها معمولاً برای تعاملات بیشتر و جذب تراکم حرکتی بالاتر طراحی شده‌اند. تحلیل خانه‌ها نشان می‌دهد که ورودی خانه هوایی دارای بیشترین همپیوندی و خانه فروغ‌الملک کمترین همپیوندی را در میان فضاها دارند. همپیوندی فضایی از میانگین شاخص‌های ادغام و ارتباطات فضایی به دست می‌آید و بیانگر برآیند این دو عامل است. برای بررسی دقیق‌تر فضای ورودی، تحلیل عمق کل بر اساس مبنای ورودی و با استفاده از نرم‌افزار ایگراف انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که ترتیب عمق کل به‌صورت زیر است: به ترتیب هوایی، زینت‌الملک و فروغ‌الملک، توتونچی، منصوری برابر ۱ می‌باشد.

تحلیل ورودی خانه‌های قاجار، در مفهوم قابلیت دید با استفاده از ابزار ایزووویست انجام شده است. این تحلیل نشان می‌دهد که نقاط دید انسانی در هر موقعیت با حرکت فرد در محیط تغییر می‌کنند و عناصر مختلف می‌توانند موانعی برای دید ایجاد کنند. در این پژوهش، نقطه اصلی ورودی که ارتباط‌دهنده فضای بیرونی و درونی است، به‌عنوان مبنای تحلیل در نظر گرفته شده است. زاویه دید انسانی به‌طور معمول ۱۲۰ درجه در نظر گرفته می‌شود و در این پژوهش، جای ایستادن و نقطه دید به‌صورت تقریبی در تحلیل لحاظ شده‌اند. قابلیت دید از فضای ورودی به سمت حیاط از طریق سلسله‌مراتب هشتی و دالان عبور می‌کند. هرچه تعداد اتصال یک فضا به فضاهای مجاور بیشتر باشد، آن فضا عمومی‌تر است؛ و هرچه این مقدار کمتر باشد، آن فضا خصوصی‌تر خواهد بود. بندیکت (۱۹۷۹: ص ۴۷) توضیح می‌دهد که: «ایزوویست مجموعه‌ای از تمام نقاط قابل مشاهده از یک نقطه در فضا با احترام به محیط است.» به‌طور خلاصه، ایزووویست یک رکورد بصری از آن چیزی است که از یک مکان مشخص در زاویه ۳۶۰ درجه و در ارتفاع متوسط چشم دیده می‌شود. این مفهوم نشان‌دهنده چگونگی درک فضا، تعامل با آن، و حرکت در محیط است. هنگام حرکت در فضا، شکل و اندازه میدان ایزووویست با تغییر مکان تغییر می‌کند (van Nes & Yamu, 2021).

سلسله‌مراتب فضایی و مفهوم حریمیت، قابلیت دید فضاها نسبت به یکدیگر، باعث شکل‌گیری سلسله‌مراتب فضایی ورودی با مفهوم حریمیت می‌شود. این سلسله‌مراتب از ابتدای ورودی و با مفهوم تغییر قلمرو شکل گرفته است، که فضای بیرونی را از فضای درونی جدا می‌کند. این مفهوم در فضاهای اندرونی و بیرونی به‌طور کامل قابل درک است. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین زاویه دید در این پژوهش مربوط به خانه نصیرالملک و محدودترین زاویه دید مربوط به خانه منصوری است. برای بررسی دقیق‌تر فضای ورودی، با استفاده از نرم‌افزار ایگراف، عمق کل بر اساس مبنای ورودی به ترتیب زیر تحلیل شده است: به ترتیب هوایی، زینت‌الملک و فروغ‌الملک، توتونچی، منصوری برابر ۱ می‌باشد.

۶- نتیجه‌گیری

شیوه یا سبک‌زندگی مفهومی چندبعدی است که در چارچوب‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بررسی می‌شود و بازتابی از گرایش‌ها، رفتارها، سلیقه‌ها و عادات افراد است. که در سطوح فردی و اجتماعی معنا می‌یابد و در ارتباط با هویت و ترجیحات آن‌ها شکل می‌گیرد. هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه بین شیوه‌زندگی و مفهوم سلسله‌مراتب فضای ورودی در خانه‌های اعیان نشین قاجار شهر شیراز بر مبنای آن به بررسی مدارک تاریخی و فرهنگی موجود بوده‌است.

در آغاز، مبانی نظری و مباحث اصلی پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از ابزار UCL Depthmaps و بر اساس معیارهای عمق، قابلیت دید، همپیوندی، اتصال و مفهوم سلسله‌مراتب، فضای ورودی پنج خانه دوره قاجار در شهر شیراز تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که سلسله‌مراتب فضایی در این خانه‌ها تأثیر بسزایی در کنترل و قابلیت دید و حفظ حریم خصوصی دارد که به وسیله عمق فضایی سنجیده شده است. هر چه فضا دارای عمق بیشتری باشد، در حوزه خصوصی‌تری قرار دارد و می‌تواند پاسخ‌گوی نیازها و شیوه‌زندگی باشد. همچنین همپیوندی و اتصال در فضا که رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند و بر رابطه بین فضاها تأکید می‌کنند، باعث تعریف مفهوم سلسله‌مراتب هستند. بدین ترتیب، پس از شناخت و تعیین معیارهای تجزیه و تحلیل، عناصر و اجزای خانه‌ها در دوره زمانی مورد نظر ارزیابی شدند. در تمامی خانه‌ها و سلسله‌مراتب فضای ورودی، سه مفهوم ارتباطات فضایی، همنشینی فضا و پیوستگی به وضوح قابل مشاهده است. این مفاهیم از طریق سلسله‌مراتب فضایی به نمایش درآمده‌اند و نقش مهمی در کنترل دید و حفظ حریم خصوصی در فضا ایفا کرده‌اند.

نتایج تحلیل چیدمان فضایی که به روش «نحو فضا» انجام گرفت، بیانگر آن است که شیوه‌زندگی افراد در دوران قاجار با الگوهای خاص فضایی همراه بوده است. در این الگوها، ورودی خانه‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین مرزهای فضایی، با کمترین میزان دید و دسترسی به فضای

داخلی طراحی شده و به دقت تعریف شده‌اند. مفهوم سلسله‌مراتب در این فضاها، حرکتی تدریجی از بیرون به درون را نشان می‌دهد که از فضای باز خیابان، به فضای نیمه باز جلوخان، فضای بسته هشتی، و در نهایت دالانی که به فضاهای داخلی منتهی می‌شود، امتداد می‌یابد. تمامی عناصر و اجزای خانه‌های مورد مطالعه، به لحاظ شکل و فضا بازتاب دهنده فرهنگ و بستر اجتماعی آن دوره بوده و تأثیر متقابل فرهنگ، اجتماع و اقتصاد بر معماری فضاها به وضوح مشاهده شده است. الگوی فضایی و الگوی رفتاری با یکدیگر تطبیق داشته‌اند. در خانه های امروزی، به دلیل ضوابط و مقررات جدید ساخت و ساز، رعایت سلسله‌مراتب فضایی کمزنگ تر شده است.

دسترسی به ناحیه داخلی خانه از طریق یک فضای میانی (ورودی) صورت می‌گیرد که بین نواحی خصوصی داخلی و عمومی خارجی جدایی ایجاد می‌کند. این ناحیه به عنوان یک فیلتر عمل می‌کند که درجه نفوذ را از طریق تغییرات در جهت‌ها مدیریت و کنترل می‌کند. این طراحی، دید به قسمت‌های داخلی را مسدود کرده و دسترسی سریع به حیاط را فراهم نمی‌کند. این گونه دسترسی‌ها و فیلترها درجات مختلفی از حریم خصوصی را ایجاد می‌کنند که با پیشرفت از مناطق عمومی خارجی به مناطق خصوصی داخلی افزایش می‌یابد. این درجه از دسترسی، نظمی سلسله‌مراتبی در طرح ایجاد می‌کند که یک مفهوم اصلی در معماری سنتی است.

به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که شاخص‌های دید و دسترسی ارتباط مستقیمی با ساختار فضایی پلان خانه‌های سنتی داشته‌اند. در این ساختارها، هماهنگی میان اجزا و رعایت سلسله‌مراتب فضایی، نقشی کلیدی در تعریف و کنترل مرزهای داخلی و خارجی ایفا می‌کرده است. ورودی خانه‌ها با کمترین دید و بیشترین کنترل، به عنوان یک فیلتر قوی عمل کرده و ارتباط میان فضای بیرونی و درونی را مدیریت می‌کرده است. بررسی تطبیقی ورودی خانه‌های تاریخی نشان می‌دهد که این فضاها، علاوه بر تأمین کارکردهای فضایی، مفاهیمی چون حفظ حریم خصوصی، تفکیک قلمروها و کنترل نفوذپذیری را نیز به خوبی بازتاب می‌داده‌اند. این فضا با داشتن پیرنشین برای افراد مسن خانه، محلی برای نشستن و ارتباط با اهالی کوچه و همسایگان بوده است. کوبه در، جنسیت افراد را برای صاحب‌خانه مشخص می‌کرد تا پوشش مناسبی را انتخاب کند. هشتی، فضایی بسته با اشکالی هشت‌ضلعی، نیم‌هشت یا مربع، با ایجاد حس مکث در فضا ایجاد کرده و برای پذیرایی از مهمانانی که قصد ورود به خانه را نداشتند و یا منتظر اذن ورود بودند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. پس از هشتی، فرد معمولاً به‌طور مستقیم با فضای حیاط مواجه نمی‌شد و از طریق دالان، با رعایت سلسله‌مراتب، به حیاط وارد می‌شد. در چیدمان معماری سنتی، هر چه ارتباط یک فضا با فضاهای دیگر کمتر باشد و عمق بیشتری داشته باشد، خصوصی‌تر تلقی می‌شود. این ویژگی‌ها به‌ویژه در خانه‌های طبقه اعیان به‌خوبی نمایان است. بنابراین، خانه‌های دوره قاجار بر اساس سلسله‌مراتب سنتی و با عمق فضایی بیشتری بر مبنای فرهنگ بومی آن دوره ساخته شده‌اند. شیوه چیدمان فضاها بر اساس ساختار پلان در هر دوره تاریخی می‌تواند الگوهایی از فرهنگ و هویت هر عصر را بازتاب دهد. با استفاده از تحلیل پلان‌ها و شیوه چیدمان فضاها، می‌توان به کاربرد عناصر پلان بر اساس نیازهای انسانی هر دوره پی برد و حتی این الگوهای سنتی را در معماری مدرن مسکونی به کار بست؛ بدین ترتیب، گامی نو در جهت حفظ و تقویت ارزش‌های هویتی و انسانی هر منطقه و زمان برداشته خواهد شد.

۷-پی‌نوشت

- ۱-Depth Map
- ۲-Metric Step
- ۳-Connectivity
- ۴-Integration
- ۵-Isovist

۸-منابع

- الفت، سعید، سالمی، آزاد. (۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی. مطالعات سبک زندگی، شماره ۱، ۳۶-۹.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران. تهران: نشر هنر و معماری قرن.
- بمانیان، محمدرضا، امینی، معصومه. (۱۳۹۶). معماری اجتماعی خانه ایرانی. تهران: اول و آخر.
- تقی پور، ملیحه. حیدری، علی‌اکبر. کاکایی، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی مفهوم ارزش فضایی در خانه‌های سنتی ایران بر اساس دو عامل شیوه زندگی و تفاوت فضا (نمونه موردی: خانه افشاریان شیراز). معماری اقلیم گرم و خشک دوره ۱۱، شماره ۱۷، ۱۰۱-۸۱.
- جباران، محمدرضا. (۱۳۹۴). تحلیل مفهومی سبک زندگی. فصلنامه قیاسات، دوره ۲۰، شماره ۷۵، ۱۷۳-۱۸۷.
- جهان، دانش. موحد، خسرو. تقی پور، ملیحه. (۱۴۰۰). تبیین مفهوم سلسله مراتب شکلی-فضایی در الگوی سکونتگاهی قاجار (نمونه موردی: خانه‌های اعیانی تهران). نشریه علمی معماری و شهرسازی ایران. دوره ۱۲، شماره ۲، ۲۵۱-۲۶۳.

حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

رحیمی، روح‌اله. موسوی، سید محسن. بیشمی، مهدیه. امینی گوهرریزی، سحر. (۱۴۰۰). بررسی حریم شخصی در فضاهای باز خانه‌های سنتی مازندران با استفاده از تکنیک نحو فضا. شهر ایرانی اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۶۵-۷۴.

رستمی، محمدعلی. (۱۳۹۷). سبک‌زندگی: مقایسه مولفه های زندگی بشر در دوران غیبت و عصر ظهور. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج).

سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۸). فضای ورودی در معماری سنتی ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های علمی.

شیرخانی، علیرضا. صحاف، خسرو. فرکیش، هیرو. چوگانیان، داود. (۱۴۰۰). اصل سلسله مراتب و تجلی آن در معماری مساجد ایرانی(نمونه موردی: مسجد گوهر شاد). نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴۸، دوره ۱۹، ۵۰۲-۵۲۵.

فاضلی، محمد. (۱۳۹۸). مصرف و سبک زندگی. تهران: علمی و فرهنگی.

کاتب، فاطمه. (۱۳۹۱). معماری خانه‌های ایرانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (طبع و نشر).

کاکایی، فاطمه. مضطرزاده، حامد. (۱۴۰۰). تبیین سیر تحول درونگرایی در ساختار ورودی خانه‌های ایران در دوره قاجار و دوره پهلوی اول (مطالعه موردی: شهر شیراز). معماری اقلیم گرم و خشک نشریه علمی معماری اقلیم گرم و خشک. سال نهم، شماره سیزدهم، ۱۷۵-۱۹۴.

کریمی، بهرام. قبادیان، وحید. صادقی‌پی، ناهید. (۱۴۰۰). شیوه‌زندگی و کالبد خانه، نمونه‌ی موردی: خانه های پلکانی پاه. نشریه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴۷، دوره ۱۹، ۴۸۸-۵۰۲.

کوتی، جواهری. صابرنژاد، ژاله. متین، مهرداد. (۱۴۰۲). استفاده از روش چیدمان فضا در سلسله‌مراتب ورودی خانه های تهران اواخر قاجار و پهلوی اول با تأکید بر محریمیت. باغ‌نظر، دوره ۲۰، شماره ۱۲۳، ۳۱-۴۲.

محمدی مزرعه، حامد. (۱۴۰۰). جایگاه ورودی در معماری بناهای بومی بندرلنگه. فصلنامه پژوهشی - تخصصی شهرسازی و معماری - هویت محیط. دوره ۲، شماره ۶، ۳۹-۲۱.

معماریان، غلام حسین. (۱۳۹۲). معماری ایرانی. تهران: انتشارات سوش دانش.

مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۷). مفهوم «سبک زندگی» و گستره آن در علوم اجتماعی. تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱، شماره ۱، ۱۹۹-۲۳۰.

یزدانی فر، سیدعباس. ناصر دوست، زهره. (۱۳۹۸). تغییرات شیوه‌زندگی و الگوی کالبدی خانه و تأثیرات متقابل آن‌ها از دوران زندیه تا امروز (مطالعه موردی :شهرستان مراغه). نشریه علمی و شهرسازی ایران، دوره ۱۰، شماره ۱۷، ۳۷-۶۰.

Alonso Aranda, L. (2024). The influence of space standards on housing typologies: The evolution of the nuclear family dwelling in england. urban planning, volume 9, issue1, 26-37.

Chapman, T & Hockey, J. (1999). Ideal homes: Social change and domestic life. London: Routledge.

Edwards, B. (2006). Courtyard Housing: Past, Present and Future. Taylor & Francis ISBN 0415262720.

Eskandari, P. (2011). Analysis of traditional Iranian houses of kashan, Iran in terms of space organization and access design. Eastern mediterranean University.

Foye, C. (2016). Housing and Happiness: an empirical study. University of reading.

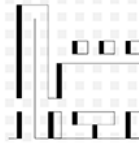
Giddens, A. (2006). Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age. London: Polity press.

Golboo, M. (2016). Assessment the manner of obtaining hierarchies and privacy of tradional house entrance in providing a safe place: A case study of traditional house in Shiraz. IIOABJ Vol. 7 , Suppl 2 , 184-190.

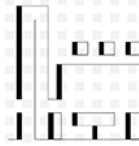
Hosseini, R. Nik Ethegad, A. Uson Guardiola , E. (2015). Iranian courtyard housing: The role of social and cultural patterns to reach the spatial formation in the light of an accentuated. Journal of architecture and urbanism, volume39, issue4, 319-332.

Khazli , M. Khalid, A. Zawawi, Z. Hashim, H. Abdullah saleh, A. Sudirman, M. (2020). Understanding the hierarchy of space on traditional malaya houses: Rumah kutai. Virtual go-green, Issue1, 16-24.

Nosrat Pour, D. (2012). Evaluation of traditional Iranian houses and match it with modern housing. Journal of basic and applied scientific research, volume2, issue10, 10123-10130.



- Safarian, P. Azar, A. (2020). A survey of the effect of cultural roots of society on design of house architecture (Case study: Traditional culture of Iran society, Iranian-Islamic houses). Kurmanj; The Journal of Culture, Humanities and Social Science, Volume 2, Number 3, 1-7.
- Simmel, G. (1990). The philosophy of money third enlarged edition. Second , Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans.), Second enlarged Ed. NewYork: Routledge.
- van Nes, A. Yamu, C. (2021). Introduction to Space Syntax in Urban Studies. Springer, ISBN 978-3-030-59139-7.



Explaining the impact of lifestyle concepts on the hierarchy of house entrances based on the theory of space syntax (Case study: Qajar noble houses)

abstract

The architecture of the Qajar period, as a link between past traditions and new developments, has a prominent place in the history of Iranian architecture. In this style, spatial hierarchy plays an important role in organizing the components of houses and reflects the lifestyle of the residents. The entrance to the house, as the boundary between the interior and exterior space, is a manifestation of social and cultural relations that has been considered in this research.

This study investigates the impact of lifestyle on the hierarchical configuration of the entrance space of Qajar-era aristocratic houses in Shiraz. The research methodology includes reviewing library resources, field observations, analyzing visual documents and maps, and using the Space Syntax tool and UCL Depthmap software for data analysis. Depth, visibility, coherence, and connectivity indices are considered as the main criteria for analysis.

The research findings show that lifestyle has a direct impact on the hierarchical structure of the entrances of these houses and its role in defining spatial relationships and architectural functions is clearly evident. This analysis can provide a model for better understanding the relationships between culture and architecture in historical periods.

Keyword: lifestyle, hierarchy of house entrances, Syntax space, noble houses, Qajar era.